

بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و میزان رفاه اجتماعی شهروندان شهر میانه

دکتر محمود علمی^۱

مریم صادقزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۳

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان رفاه اجتماعی خانواده‌های شهروندان شهر میانه می‌پردازد و فرضیه‌ی اصلی آن این است که افزایش یا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی بر میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها تأثیر بسزایی دارد.

جامعه آماری بررسی حاضر شهروندان ۶۰-۱۶ ساله شهر میانه و حجم نمونه طبق فرمول کوکران ۶۳۰ نفر بود که نمونه‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای استخراج شدند و گردآوری داده‌ها با پرسش‌نامه و مصاحبه صورت گرفته است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دین‌داری و دامنه روابط اجتماعی به عنوان متغیرهای پیش‌بین و میزان رفاه خانواده‌ها به عنوان متغیر ملاک می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای پیش‌بین پژوهش تبیین می‌شوند.

واژگان کلیدی: رفاه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، دین‌داری و دامنه روابط اجتماعی.

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۲ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز - تلفن: ۰۴۱۱-۳۳۵۶۷۵۹ - maryamsadeghzadhe@yahoo.com

مقدمه

رفاه اجتماعی پدیده‌ای است که با پیدایش و گسترش سازمان‌ها، نهادها، مؤسسه‌های دولتی و غیردولتی ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است و به عنوان شاخه‌ای از فرآیند توسعه به شمار می‌رود. برخورداری همگانی از رفاه، درآمد مطلوب، هزینه‌های اجتماعی، سرمایه‌های در گردش جامعه (نقدینگی) به منظور تأمین اجتماعی هرچه بیشتر، ... از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار بوده و هرگونه سهل‌انگاری و بی‌توجهی در برقراری تعادل عمومی، احتمال عدم تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام، کاهش کار آیی توان بالقوه جامعه، کاهش امنیت و آسایش عمومی، ... را در پی خواهد داشت، که در نهایت نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی را دامن می‌زند و آشوب‌های سیاسی را فزونی می‌بخشد (حق‌جو، ۱۳۸۱: ۱۷۶). رفاه اجتماعی خصلتی پویا و متحول داشته و متناسب با تغییرات به وجود آمده در جوامع و رشد انتظارات و نیازها دگرگون می‌شود. در این میان یکی از نهادهایی که به نوعی می‌تواند پایه‌گذار رفاه اجتماعی جامعه باشد نهاد خانواده است. رفاه اجتماعی در صورتی می‌تواند در جامعه و نهاد اجتماعی خانواده به وجود آید که سرمایه‌ی اجتماعی لازم در نهاد خانواده وجود داشته باشد سرمایه‌ی اجتماعی عاملی است که کمک می‌کند تا افراد عضو نهادهای اجتماعی (مانند خانواده) به منابعی چون اطلاعات، آموزش و انواع حمایت‌های مادی و معنوی دست یابند. سرمایه‌ی اجتماعی به کمک مفاهیمی چون اعتماد و شبکه‌های تعاملی می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کار آیی گروه را در دستیابی به اهداف خود بهبود بخشد، نقش چشمگیر سرمایه اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنش‌گران اجتماعی، به عنوان راه‌حل مشکلات اجتماعی تلقی می‌شود. سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند از سوی گروه‌های مختلف به عنوان منبعی برای دستیابی به منابعی سودمند به کار گرفته شود. از آنجا که سرمایه‌ی اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه‌های فعالیت‌ها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است. فرض اساسی این است که افراد خانواده با گرد هم آمدن در قالب یک نهاد اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی را شکل می‌دهند که پاداش‌های آن در شکل حمایت‌های مادی و معنوی به آن‌ها در زندگی اجتماعی بروز می‌کند و در نهایت پیامدش رفاه اجتماعی در خانواده می‌تواند باشد. در همین ارتباط جامعه‌شناسان به این امر پی بردند که انسان‌هایی که عضوی از یک جامعه کوچک اعم از شهر، روستا، انجمن، گروه و شبکه هستند، در ارتباط با دیگر

اعضای گروه احساس همدلی، همکاری، مسئولیت و اعتماد می‌کنند و یکدیگر را به کارها و هنجارهای جمعی تشویق می‌کنند و یکدیگر را در جریان اطلاعات لازم در خصوص منافع مشترک می‌گذارند که خود به نوعی بر سرمایه‌ی اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۳۸۵). برعکس، فرسایش سرمایه اجتماعی منجر به اختلال رابطه بین اعضای جامعه می‌شود. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: میزان سرمایه‌ی اجتماعی خانواده‌های میانه‌ای و تأثیر آن بر رفاه این خانواده‌ها به چه صورت می‌باشد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

طی چند دهه گذشته، فرسایش شدیدی در سرمایه‌ی اجتماعی، هم در درون خانواده و هم در بیرون آن، روی داده است که پیامد اصلی آن کاهش رفاه اجتماعی خانواده‌ها بوده است. در خانواده، رشد سرمایه‌ی انسانی بسیار زیاد شده به طوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است، ولی به موازات رشد سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی اجتماعی که شاخص برجسته آن حضور بزرگسالان در خانه و میزان گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین والدین و فرزندان است، کاهش یافته است که خود به نوعی بر چگونگی رفاه اجتماعی خانواده میانه‌ای تأثیرگذار بوده است. در اجتماع، میزان فرسایش و نابودی سرمایه‌ی اجتماعی به مراتب بیشتر بوده است. غیبت پدر از خانواده و محیط همسایگی در طول روز و اخیراً غیبت مادر از خانواده و ورود او به بازار کار مترادف با کاهش مشارکت والدین در سازمان‌های محلی نظیر انجمن اولیا و مربیان و نظایر آن بوده است. به علاوه جامعه شدیداً در معرض تهاجم فردگرایی قرار گرفته که بر اساس آن منافع فردی بر مصالح جمعی تقدم یافته است. با توجه به اینکه مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی، همکاری گروهی و روابط اجتماعی در ایران شناخته شده نیست، مردم به یکدیگر اعتماد ندارند و نسبت به جامعه و محیط زندگی خود احساس مسئولیت نمی‌کنند، شناسایی، مطالعه و تقویت آن توسط جامعه‌شناسان و دیگر صاحب نظران لازم است. خلاصه اینکه با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه‌ی اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه و خانواده‌ها می‌توان از این مفهوم در تحلیل مسائل رفاه اجتماعی - فرهنگی به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده بهره گرفت. از جمله این مسائل می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: انسجام اجتماعی، نظم اجتماعی، مشارکت سیاسی، تقویت نهادهای مدنی و نظایر آن. به علاوه تداوم چنین مطالعه‌ای در بعد زمان می‌تواند روند تغییرات سرمایه‌ی اجتماعی را در سطح ملی آشکار

سازد. آگاهی از این روند می‌تواند به برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی در انتخاب سیاست‌های مناسب برای رفاه خانواده‌های میانه‌ای کمک شایانی بنماید.

هدف تحقیق

تعیین رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان رفاه خانواده‌های مورد مطالعه می‌باشد.

چارچوب نظری

رویکردها و نظریه‌های مربوط به رفاه، مطابق تقسیم‌بندی عام در جامعه‌شناسی، بیشتر به دو نوع نگرش «جمع‌گرایانه» و «فردگرایانه» قابل تقسیم است، که به تبع آن، راه‌حلهایی نیز حول آن‌ها شکل گرفته است. طرفداران رویکرد فردگرایانه بر این باورند که «پیشرفت‌های رفاهی فقط تابع نظام بازار بوده و از طریق مکانیزم تولید محصولات و کالاهای مورد استفاده عمومی که مورد نظر افراد می‌باشد، امکان‌پذیر می‌گردد، طرفداران رویکرد جمع‌گرا کسانی هستند که ضرورت‌های رفاهی را از بعد جمعی تفسیر می‌کنند. از دیدگاه اینان یک رشته ارزش‌های اجتماعی وجود دارد که باید مستقل از اختیارات افراد ارتقا یابد. از این دیدگاه، پدیده‌های جمعی از لحاظ چگونگی کاهش فقر و محرومیت و میزان ارتقای مساوات با هم مقایسه می‌شوند و در آن ابزار و آلات رفاهی بر اساس عملکرد مربوط به بالا بردن میزان کالاهای مادی بررسی می‌شوند.» (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۱۵). با توجه به وجود دو نوع رویکرد فردگرایانه و جمع‌گرا، در رفاه اجتماعی طبقه‌بندی‌ای که توسط لبوکس و ویلنسکی^۳ از نظریه‌های مربوط به نظام‌های رفاهی ارائه شده است که اولی به عنوان مفهوم «رسوبی» یا «ترمیمی» شناخته می‌شود که بر طبق آن، مؤسسه‌های تأمین اجتماعی در هنگام بهم خوردن وضعیت منابع خانواده‌ها و نیز پس از وقوع فقر و ناتوانی، وارد عرصه فعالیت شوند و در این راستا نیز خود افراد در درجه اول مسؤولیت قرار دارند. نگرش دوم که مورد تأکید جمع‌گرایان است، عبارت است از «نظریه نهادی»^۴ که در این رویکرد دولت وظیفه دارد

^۳ - Leabeavc & wilensky

^۴ - Instiitutional Theory

قبل از وقوع نابسامانی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کند و تأمین اجتماعی را به عنوان اولین عملکرد در دستور کار دولت قرار دهد (میجلی، ۱۳۷۸: ۱۴۰).

اما شکست نظام بازار در سعادت‌مند کردن بشر، این گونه نظریه‌ها را دچار بحران کرده و نظریه‌های رفاه اجتماعی نوین که بیشتر از بررسی نارسایی‌های ادعا شده در مورد نظام بازار مبتنی بر فلسفه فردگرایی نشأت گرفته است، مطرح شد. با توجه به رویکردهای نوین، که بر اساس مسئولیت جامعه در قبال آحاد مردم بنا نهاده شده‌اند رفاه اجتماعی عبارت از «شادکامی (خوب بودن و خوب عمل کردن)، تأمین (امنیت درآمد، اشتغال و مسکن)، ترجیحات و نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی» (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۲۰).

از نظر برخی صاحب نظران، الگوهای توسعه تا قبل از دهه هفتاد میلادی، صرف نظر از تشدید دامنه نابرابری‌های اجتماعی مانع از جلب و جذب مردم در فرآیند توسعه گردید و از شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت و سازمان‌یابی که از شروط لازم توسعه است، جلوگیری کرد که پیامدهایی از جمله کاهش انسجام و تشدید نابسامانی‌های اجتماعی در فرآیند توسعه را در برداشته است. بنابراین در مفهوم‌سازی مجدد پارادایم جدید توسعه سه فرآیند سرمایه‌ی اجتماعی، دموکراسی مشارکتی و توانمندسازی مورد توجه قرار گرفته است (زاهدی، ۱۳۸۲). در نگاه به سرمایه اجتماعی و رابطه آن با توسعه و رفاه اجتماعی، چهار رویکرد وجود دارد:

رویکرد اجتماع گرایی: در این رویکرد سرمایه‌ی اجتماعی با سازمان‌های محلی چون باشگاه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌ها برابر انگاشته می‌شود. اجتماع‌گرایان بر این اعتقادند که سرمایه‌ی اجتماعی ذاتاً خیر است، هرچه بیشتر باشد بهتر است و وجود آن همواره اثری مثبت بر رفاه جامعه دارد. اما این نگرانی وجود دارد که تقویت سرمایه‌ی اجتماعی در سطح خرد باعث کاهش آن در ارتباط با دیگر گروه‌ها می‌شود. حتی ممکن است که این کاهش در روابط بین گروه‌ها موجب کاهش روابط آن‌ها با دیگر گروه‌ها می‌شود که ضررهای این عضویت‌ها بیشتر از منافع آن باشد. در بسیاری از ممالک آمریکای لاتین، بارزترین صفت گروه‌های مردم بومی را غالباً برخورداری از سطوح بالای همبستگی ذکر می‌کنند، ولی این مردمان از لحاظ اقتصادی در سطح پایینی قرار دارند (برامکی‌زیدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

رویکرد شبکه‌ای: در این دیدگاه، شبکه به عنوان نوعی سازمان رسمی تعریف نشده، بلکه به صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می‌شود. بنابراین یک تعریف دقیق‌تر چنین خواهد بود: «یک شبکه متشکل از گروهی از افراد است که دارای هنجارها یا ارزش‌هایی فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای دادوستدهای متداول بازار می‌باشد.» هنجار و ارزش‌هایی که در این تعریف جای می‌گیرند از هنجارهای ساده دوسویه مشترک بین دو دوست تا نظام‌های ارزشی پیچیده را شامل می‌شوند. شبکه‌ها به عنوان روابط اخلاقی غیررسمی نیز شناخته می‌شوند، بنابراین با پدیده‌هایی از قبیل پارتی‌بازی، نژاد‌گرایی و روابط غیر شفاف مرتبط هستند و این همان جنبه‌های منفی است که برای سرمایه‌ی اجتماعی بیان می‌کنند؛ اما روی هم رفته چرا نباید ریشه این روابط غیررسمی خشکیده شود؟ یک جواب آن با مسأله لزوم هماهنگی بین افراد در شرایط پیچیده اقتصادی ارتباط دارد، به عبارت دیگر موضوع مطرح در این ارتباط، جریان کامل اطلاعات است. دلیل اینکه شبکه‌ها به عنوان گروه‌های دارای هنجارها و ارزش‌های غیررسمی، از اهمیت برخوردارند، این است که در برابر اطلاعاتی که از طریق سازمان جریان می‌یابد، مجراهای جانشینی فراهم می‌سازند. دوستان وقتی در اطلاعات با یکدیگر سهیم هستند، معمولاً خواهان حق مالکیت در فکر نشده و بنابراین وارد این نوع دادوستد نمی‌شوند. بنابراین وجود دوستی‌ها، جریان آزاد اطلاعات را در درون سازمان تسهیل می‌کند. همچنین معمولاً دوستان به دنبال موضع‌گیری‌های قدرت‌گرا نیستند. در این دیدگاه به هر دو جنبه مثبت و منفی سرمایه‌ی اجتماعی توجه می‌شود و رابطه درون گروهی و رابطه میان گروهی، هر دو دارای اهمیت است. به عبارت دیگر رابطه افقی و عمودی را با هم در نظر می‌گیرند و جمع این دو رابطه را سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند. بیان‌کنندگان این دیدگاه، دو خصلت برجسته برای سرمایه‌ی اجتماعی قائل هستند: می‌تواند خدمات گران‌بهایی را ارائه نماید و از آن طرف هزینه‌هایی هم دارد، به عنوان مثال کمک‌هایی که باید به خویشاوندان فقیر ارائه نماید. صاحبان این دیدگاه معتقدند درباره کارایی این دیدگاه نباید اغراق کرد، زیرا همبستگی در یک گروه و موفقیت این گروه، مانع موفقیت در گروه‌های دیگر می‌شود (برامکی‌یزدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

رویکرد نهادی: مدعی است که سرزندگی شبکه‌های اجتماعی عمدتاً محصول محیط سیاسی، قانونی نهادی است. برخلاف دیگر رویکردها که سرمایه اجتماعی را یک متغیر مستقل می‌دانند، این‌ها سرمایه اجتماعی را یک متغیر وابسته تلقی می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده بر اساس این رویکرد دو گونه‌اند:

- ۱- میزان شکوفایی جامعه مدنی به اندازه‌ای است که دولت را به این امر تشویق می‌کند.
- ۲- سرمایه‌ی اجتماعی را با کیفیت نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی یک جامعه مشخص می‌کنند. شاخص‌های مختلف کیفیت نهادی که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری و گروه‌های حقوق بشر تدوین شده، نشان می‌دهد که مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های معنوی و کیفیت دیوان‌سالاری با رشد اقتصادی همبستگی دارد. ناک^۵ می‌گوید: «سرمایه‌ی اجتماعی از میزان فقر می‌کاهد یا دست کم نابرابری درآمد را تشدید نمی‌کند» (وفه، ۲۰۰۲: ۵۵۳-۵۵۱). کالیر^۶ و گنینگ^۷ بیان می‌کنند در جامعه‌ای که هم میزان تفرق قومی بالاست و هم حقوق سیاسی ضعیف است، نرخ رشد اقتصادی پایین است (وفه، ۲۰۰۲: ۵۵۱-۵۵۳).

رویکرد همیاری: عده‌ای از دانشمندان، پیشنهاد دادند که دو دیدگاه شبکه‌ای و نهادی را در یکدیگر ادغام کنند و نام آن را رویکرد همیاری بگذارند. مطالعاتی که این دانشمندان انجام داده‌اند، به سه نتیجه کلی می‌رسد:

- ۱- دولت‌ها و جوامع هیچ کدام ذاتاً خوب و یا بد نیستند و تأثیرات این‌ها بر تحقق اهداف جوامع متغیر است.
- ۲- دولت‌ها و بنگاه‌ها و اجتماعات به تنهایی فاقد منابع لازم برای ترویج توسعه هستند.
- ۳- دولت می‌تواند در تشکیل گروه‌های پایدار در فراسوی مرزهای طبقات، قومیت، نژاد و... تسهیل نماید. از آن طرف، بنگاه و اجتماعات نقش مهمی در ایجاد شرایطی دارند که به ایجاد، تشخیص و پاداش و حکمرانی خوب می‌انجامد. در این رویکرد پیشنهاد می‌شود که ترکیبات مختلف حکمرانی و سرمایه‌ی اجتماعی بین گروهی و یا در یک گروه یا جامعه محلی ملاحظه قرار گیرد. در جوامعی که از حاکمیت خوب و سطوح متعالی سرمایه‌ی اجتماعی میان گروهی بهره‌مندند، دولت و جامعه مکمل یکدیگر هستند و موفقیت اقتصادی و نظم اجتماعی حتمی است، ولی هنگامی که سرمایه اجتماعی

^۵ - Knack

^۶ - Collier

^۷ - Gunning

یک جامعه عمدتاً نصیب گروه‌های اولیه شود که با یکدیگر ارتباط ندارند، گروه‌های قدرتمند به بهای به حاشیه راندن گروه‌های دیگر، بر دولت چیرگی می‌یابند و نتیجه‌اش این است که تهیدستان از رسیدن به حقوق خود محروم می‌شوند.

اینکه انسجام اجتماعی و سلامتی به هم مربوطند، ایده‌ای است که حداقل یک قرن عمر دارد. در اواخر قرن نوزدهم دورکیم نشان داد که تعداد خودکشی‌ها در جوامعی که انسجام اجتماعی کمتری دارند، بیشتر است تا جوامعی که ارتباطات منسجم‌تری دارند. در مورد همبستگی کلی بین سطح سلامتی و ارتباطات اجتماعی از دهه ۱۹۷۰ میلادی، مدارک و شواهدی در دست است که نشان می‌دهد نرخ مرگ‌ومیر مردمی که شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر دارند، نصف یا یک سوم نرخ مردمی است که ارتباطات ضعیف اجتماعی دارند. پاتنام با استفاده از نتایج تحقیق‌ها که در آن‌ها سعی شده مشخصه‌های دیگر را کنترل کنند، مشخصه‌هایی چون سن، درآمد و حتی الگوهای رفتاری مانند سیگار کشیدن، اعتیاد به مشروب و ورزش کردن... همبستگی کلی این ارتباط را تأیید کرده است (فیلد، ۲۰۰۳). طی سالیان اخیر، رابطه سرمایه‌ی اجتماعی و سلامتی و بهداشت به یکی از موضوعات مهم تبدیل شده است؛ به شکلی که امروزه سرمایه‌ی اجتماعی، مفهومی کلیدی و پراهمیت در زمینه مطالعات مربوط به ارتقای سلامت و رفاه عمومی محسوب می‌گردد. تا آنجا که تنها در سال ۲۰۰۲ میلادی بیش از ۵۰ مقاله در این زمینه چاپ شده است (کاوچی و همکاران، ۲۰۰۴). کاوچی و همکارانش در مطالعه خود در مناطق مختلف آمریکا به رابطه شدید بین سرمایه‌ی اجتماعی با نابرابری درآمد (توزیع نابرابر درآمد) و سلامتی پی بردند. به عقیده این پژوهشگران، سرمایه‌ی اجتماعی در واقع نقش یک متغیر واسطه را بین نابرابری درآمد و سلامتی بازی می‌کند؛ به این معنا که نابرابری بیشتر به کاهش مشارکت در فضای عمومی و افزایش بی‌اعتمادی منجر می‌گردد که هر دو متغیر تأثیری منفی بر سلامت دارند. گرچه رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و سلامت در اکثر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت گرفته، به اثبات رسیده است؛ اما بسیاری از مطالعات در این زمینه یا از توصیف این رابطه فراتر نرفته‌اند و یا میان آن دسته از پژوهشگرانی که به تحلیل رابطه مذکور پرداخته‌اند، راجع به سازوکارهای اساسی تأثیرگذار سرمایه‌ی اجتماعی بر سلامتی، توافق کاملی وجود ندارد (برامکی‌زیدی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

از دیدگاه نظریه انتخاب عقلانی، جامعه را می‌توان بر حسب افعال منفعت‌جویانه افراد معقول آن شناخت. افراد، وقتی بنا به مراتب ارزش‌ها و ترجیحات خود برای به حداکثر رساندن منفعت و به حداقل رساندن هزینه‌ها می‌کوشند، به نحوی عقلانی عمل می‌کنند. بنابراین، نظریه انتخاب عقلانی، همه اشکال رفتار اجتماعی، گروهی و سازمانی را به افعال فردی رأی‌دهندگان و مصرف‌کنندگان کاهش پذیر می‌داند و به این دو مقوله تقسیم می‌کند. بدین ترتیب، اشکال هم کارانه و اشتراکی فعالیت‌ها را فقط با اتکا بر این واحد تحلیلی قابل توضیح می‌داند. به طور خلاصه، نظریه انتخاب عقلانی، فردگرایانه و ذهنی است و نهایتاً به اقتصاد نئوکلاسیک باز می‌گردد، هر چند پاره‌ای از مارکسیست‌ها نیز در سالیان اخیر به چشم‌اندازهای انتخاب عقلانی روی کرده‌اند (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱).

پیشینه تحقیق

مایکل فولی و بابادوار، در مروری بر ۴۵ تحقیقی که توسط محققان در رشته‌های مختلف صورت گرفته است، معتقدند که در تعدادی از این تحقیقات سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته شده که بر روی برخی دستاوردها مانند رشد اقتصادی در سطح ملی تأثیر می‌گذارد و در برخی دیگر از آن‌ها سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که توسط نوع‌هایی از سازمان‌های داوطلبانه تولید می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۴). در تحقیقی گروتایوت (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفاه خانواده‌ها و فقر در اندونزی پرداخت. او سرمایه‌ی اجتماعی را شامل مواردی مانند نهادها، ارتباطات، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که بر واکنش‌های بین مردم حاکم است می‌داند. او برای اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی از شاخص‌هایی چون تعداد اعضای گروه، همگنی درون گروهی و مشارکت در تصمیم‌گیری گروهی استفاده کرد. او اطلاعات خود را از نمونه ۱۲۰۰ خانواری و مصاحبه با رهبران محلی و منابع اطلاعاتی رسمی جمع‌آوری کرد. هزینه سرانه خانوارها متغیر وابسته او را تشکیل می‌داد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که سرمایه‌ی اجتماعی خانوار تأثیر مثبتی بر روی رفاه دارد (گروتایوت، ۱۳۸۶). (ناک و کيفر^۱، ۱۹۹۷) از مطالعه خود نتیجه گرفتند که رشد اقتصادی و

^۱- Knach, S & P. Keefer

اعتماد رابطه‌ی مستقیمی دارند و یک انحراف معیار افزایش در میزان اعتماد سبب افزایش و رشد اقتصادی به میزان نیم انحراف معیار می‌شود. «اینگلهارت»^۹ (۱۹۹۷) تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی را بررسی می‌کند، وی اعتماد را به عنوان شاخصی از سرمایه‌ی اجتماعی در نظر می‌گیرد و با استفاده از داده‌های^{۱۰} میزان تأثیرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی را بررسی می‌کند. او ضمن تأیید این مطلب که میزان اعتماد بر رشد اقتصادی مؤثر است، معتقد است که تأثیر توسعه‌ی اقتصادی بر سطح اعتماد بسیار محکم‌تر و قوی‌تر می‌باشد. یکی دیگر از مطالعات، مطالعه «افه و فوش»^{۱۱} (۲۰۰۲) می‌باشد. این پژوهشگران تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر «عملکرد اقتصادی»^{۱۲} و «حاکمیت خوب»^{۱۳} در مناطقی از شرقی و غربی را بررسی نمودند. آنان بر اساس اطلاعات پیمایش عمومی کشور آلمان و مقایسه قسمت‌های شرقی و غربی این کشور به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌ی اجتماعی شرط لازم و کافی برای پیدایش یک اقتصاد نیرومند و حکومت خوب می‌باشد. همچنین آن‌ها در قسمتی از پژوهش خود به نقش دین، دین‌باوری و تعهد دینی با سرمایه‌ی اجتماعی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین این دو متغیر رابطه مستقیمی وجود دارد. این دو معتقدند: از آنجا که ادیان از نشست‌های جمعی و مناسب‌برخوردارند، باعث افزایش تعاملات و آگاهی از مسائل اجتماعی می‌شود. ولکاک و ناپارایان (۲۰۰۰) از نظریه‌پردازان شناخته شده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، معتقدند سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی اصلی فقرا است که آن‌ها از این پیوندهای اجتماعی استفاده می‌کنند تا در برابر ریسک و آسیب‌پذیری محافظت شوند و این سرمایه همچنین نقش مهمی در کاهش فقر و توسعه‌ی اقتصادی دارد. وینسترا (۱۳۸۴) نیز مثال‌های متعددی از این که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی بر کاهش نابرابری، مرگ‌ومیر و افزایش تندرستی و بهداشت (شاخص‌های سرمایه‌ی انسانی) بیان می‌کند و موریس هم در هند به این نتیجه رسید که آن دسته از ایالت‌های هند که از سرمایه‌ی اجتماعی خوبی برخوردارند در کاهش فقر موفق‌تر بوده‌اند (کرشن، ۲۰۰۲: ۴۸۷). مرنیسی (۱۳۸۴) نیز مثال‌هایی از چگونگی و نقش

^۹ - Inglehart

^{۱۰} - WVS

^{۱۱} - Offe, Claus and Fuchs, Susanne

^{۱۲} - Economic Performance

^{۱۳} - Good Government

سرمایه‌ی اجتماعی در پیشبرد موفقیت‌آمیز توسعه برنامه‌های خرد در کشور فقیری چون مراکش ارائه می‌دهد. در پژوهشی با عنوان «فقر و سرمایه‌ی اجتماعی» هدف پذیرش اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی و باور به رابطه نزدیک آن با ارتقای رفاه همگانی و کاهش فقر، به مطالعه تطبیقی وضعیت این متغیر در خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان قزوین به عنوان گروهی از خانواده‌های فقیر جامعه پرداخته است. روش پیمایشی بوده و با استفاده از فرمول تعداد ۳۱۱ خانوار تحت پوشش کمیته امداد به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب و در کنار یک نمونه ۵۰ نفری از خانوارهای فقیر و مرفه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها بیانگر وجود تفاوت معنی‌دار در میانگین سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن در بین خانوارهای فقیر و مرفه مورد بررسی است. همچنین وضعیت فقر همبستگی قوی منفی با میزان سرمایه‌ی اجتماعی دارد و خانوارهای فقیر در کلیه مؤلفه‌های مربوط به سرمایه‌ی اجتماعی میانگینی پایین‌تر از خانوارهای مرفه دارند. میزان سرمایه‌ی اجتماعی افراد و گروه‌ها تحت تأثیر شرایط فقر و محرومیت قرار دارد. افزایش میزان سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به فرآیند باز تولید، قادر است زمینه لازم برای ارتقای سطح رفاه کنش‌گران فقر زده را فراهم آورد (ملکی و حیدری، ۱۳۸۷). در پژوهشی دیگر رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه‌ی اجتماعی در فرآیند توسعه بررسی شده است و سؤال این است که آیا در فرآیند توسعه، رابطه‌ای بین رفاه اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد؟ به لحاظ روش‌شناختی، نوع روش مورد استفاده در این مطالعه ترکیبی از پیمایش و تحلیل ثانویه بوده است. بر اساس نتایج پژوهش، شهرستان‌های استان اصفهان به لحاظ شاخص‌های رفاه و سرمایه‌ی اجتماعی دارای وضعیت متفاوت می‌باشند. موقعیت شهرستان‌های مورد بررسی در هفت گروه طبقه‌بندی شده است. شهرستان اصفهان به لحاظ رفاه، از بالاترین سطح و به لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی از پایین‌ترین سطح برخوردار بود. در صورتی که شهرستان داران از لحاظ شاخص سرمایه‌ی اجتماعی در رتبه اول و به لحاظ رفاه اجتماعی در سطح بسیار پایین قرار داشت. در پژوهشی دیگر آثار سرمایه‌ی اجتماعی درون و برون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران مطالعه شده است که ابتدا مفاهیم و تعاریف سرمایه‌ی اجتماعی و سپس نحوه اثرگذاری دوگانه سرمایه‌ی اجتماعی بر رشد اقتصادی بررسی شده، بدین منظور سرمایه‌ی اجتماعی به دو گروه سرمایه‌ی اجتماعی

درون گروهی و برون گروهی تقسیم و سپس با استفاده از اطلاعات پیمایش‌های «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» و «رفتارهای فرهنگی ایرانی» و بر اساس مدل‌های رشد اقتصادی تأثیر این دو متغیر بر رشد ۲۸ استان کشور طی دوره ۱۳۸۲-۱۳۷۹ بررسی شده است. با استفاده از روش^{۱۴} مشاهده می‌شود که سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی و برون گروهی رابطه منفی دارند و همچنین سرمایه‌ی اجتماعی برون گروهی اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی دارد و علامت سرمایه‌ی اجتماعی درون گروهی به شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی حساس است که می‌تواند مثبت یا منفی باشد (رحمانی، ۱۳۸۵). در پژوهشی دیگر که با عنوان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی در کلان شهر تهران انجام یافته است، روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن جمعیت ۱۶ سال به بالای مناطق تهران است که با نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب با حجم ۱۷۵۹ نفر در سطح مناطق بیست و دوگانه شهر تهران انتخاب گردیده است؛ و نتایج حاکی از آن است که سرمایه‌ی اجتماعی مناطق رابطه مثبتی با توسعه مناطق شهری در تهران دارد و مناطق توسعه‌یافته‌تر از میزان بیشتری از اعتماد عمومی، آگاهی، مشارکت رسمی و مشارکت‌های غیررسمی هم‌یارانه برخوردارند و به گونه معناداری مشارکت غیررسمی مذهبی کمتری دارند و اعتماد نهادی و مشارکت‌های غیررسمی خیریه‌ای در همه مناطق به صورت یکسان بوده و تفاوت معناداری نداشتند (پروژآبادی و ایمانی‌جاجرمی، ۱۳۸۵).

در مطالعه حاضر با توجه به دیدگاه‌ها و نظریه‌های اندیشمندانی چون بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما که مشارکت و اعتماد را به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی ذکر کرده‌اند که نقش بسزایی در رفاه و بهداشت خانواده‌ها دارد، لذا در این تحقیق درصدد تبیین رفاه خانواده‌ها از روی سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن برآمدیم.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

سرمایه اجتماعی: به طور کلی سرمایه‌ی اجتماعی یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های تعاملی که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کار آیی گروه را در دستیابی به برخی اهداف خود بهبود بخشد.

^{۱۴} - OLS

نقش چشمگیر سرمایه‌ی اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنش‌گران اجتماعی به عنوان راه درمانی برای مشکل تولید کالاهای عمومی توجه بسیاری از جامعه‌شناسان از جمله کلمن، بوردیو، رابرت پاتنام و فوکویاما را به خود جلب کرد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۴۹). در این تحقیق با استفاده از سؤال‌های پرسشنامه سعی گردید تا سرمایه‌ی اجتماعی با شاخص‌هایی مانند اعتماد فردی، اعتماد به نهادهای اجتماعی، انسجام و همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و دامنه روابط اجتماعی و میزان دین‌داری مورد مطالعه قرار گیرد.

اعتماد اجتماعی: اعتماد را می‌توان به عنوان اطمینان و اعتمادپذیری به یک شخص یا نظام، با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد، که در آنجا این اطمینان، ایمان به صداقت یا عشق به دیگری یا صحت اصول (دانش فنی) انتزاعی را بیان کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۷). نظریه‌پردازان اعتماد اجتماعی (کلمن و فوکویاما) اعتماد را به عنوان رابطه‌ای که در یک سو توقع و در سوی دیگر تعهد را ایجاد می‌کند، توصیف می‌کنند. اعتماد نوعی اعتبار است که در روابط افرادی که با هم برخورد می‌کنند و یک احساس حمایت نسبت به هم دارند، وجود دارد (سپهری، ۱۳۸۶: ۱۴). جانسون اعتقاد دارد که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد (اعتماد‌کننده و فرد مورد اعتماد)، عناصر زیادی وجود دارد که به شکل زیر می‌توان دسته بندی کرد:

- ۱- اطمینان: پایبند دانستن مردم به قول و قرارها
- ۲- صراحت: رک بودن، بیان افکار و احساسات
- ۳- صداقت: راست‌گویی، عدم تظاهر
- ۴- سهیم کردن: ارائه منابع مورد نیاز به دیگران، اظهارنظر در حل مشکلات
- ۵- تمایلات همکاری جویانه: کمک به دیگران، همکاری با دوستان، امانت دادن وسایل مورد نیاز به دوستان (رسولی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴). بنابراین برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی سؤال‌هایی در رابطه با این پنج مؤلفه مطرح گردید.

مشارکت اجتماعی: مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده تعریف نموده‌اند. فرآیندی که جامعه به صورت

آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منابع اجتماعی می‌شود در آن شرکت می‌کنند (غفاری، ۱۳۸۰: ۴۲). از حیث مفهومی، واژه «مشارکت» به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی جهت بحث و تصمیم‌گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع جوهره اصلی مشارکت را باید در فرآیند درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۱۵). مشارکت اجتماعی به انواع گروه‌ها و انجمن‌هایی که افراد می‌توانند در آن‌ها مشارکت کنند و یا روابط غیررسمی که افراد می‌توانند با دیگران مثل خانواده، همسایه و غیره داشته باشند، اشاره دارد (پاتنام، ۲۰۰۰). مشارکت اجتماعی افراد وابسته به میزان تمایل و علاقه آن‌ها به جامعه و اطرافیان خویش است. مشارکت اجتماعی در این پژوهش از طریق شرکت داوطلبانه در گروه‌ها و انجمن‌ها نظیر هلال احمر، گروه‌های ورزشی، موسیقی، انجمن‌های خیریه و نیز فعالیت‌های جمعی دوستانه و خانوادگی و غیره سنجیده شد.

روابط اجتماعی: روابط اجتماعی چگونگی قرار گرفتن افراد در روابط اجتماعی، چگونگی در اختیار منابع جای گرفته در این روابط، توسط افراد جهت کسب سود می‌باشد. دیدگاه دیگر به استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح گروه توجه دارد و علاقه اصلی آن، بررسی عناصر و فرآیند تولید و حفظ دارایی جمعی است. علاقه دیگرش این است که چگونه هنجارها و اعتماد مثل دارایی‌های دیگر (قوانین، اقتدار) در تولید و حفظ دارایی جمعی نقش دارند. به طور کلی نقطه تمرکز این دیدگاه عبارت است از: چگونه گروهی مشخص سرمایه‌ی اجتماعی را به عنوان دارایی جمعی توسعه داده و حفظ می‌کند؟ چگونه چنین دارایی جمعی، می‌تواند شرایط زندگی افراد را بهبود بخشد (تاجبخش، ۱۳۸۴). در این پژوهش میزان ارتباط با سازمان‌های مختلف، همسایگان و دوستان و آشنایان در نظر گرفته شده است.

انسجام اجتماعی: بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت داشته یا در آن‌ها مشارکت دارند (پاتنام، ۲۰۰۰). توافق جمعی میان اعضای یک جامعه که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است. برای سنجش این

متغیر از سه شاخص گرایش مردم نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی در بین آن‌ها و میزان نزاع‌های جمعی و اختلاف سیاسی در بین مردم استفاده شده است.

رفاه اجتماعی: تونی فیتزپتریک، برای تعریف رفاه شش مقوله را مطرح می‌کند که توجه و تأمل درباره هر کدام می‌تواند برای شناخت وضعیت رفاهی خانواده (و نیز خانواده خود) مفید باشد. او در این باره به شادکامی، ترجیحات، نیازها، رهایی و مقایسه‌های نسبی اشاره می‌کند. در کل رفاه خانواده حالتی را می‌رساند که در آن کلیه افراد خانواده از آنچه تأمین‌کننده نیازهای مادی و معنوی آن‌ها است برخوردار باشند و به وجود آمدن آن در خانواده سلامت، زندگی بهتر و زمینه روابط مناسب‌تری برای پیشرفت استعدادها، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانایی‌های افراد خانواده برای توسعه را فراهم می‌سازد (فیتزپتریک، ۱۳۸۳: ۳۱). برای تعریف عملیاتی رفاه از ۵ نوع نیاز مازلو و همچنین از شاخص‌های رضایت از جنبه‌هایی از شرایط زندگی (از قبیل دسترسی به تسهیلات زندگی) استفاده گردید. بر اساس نیازهای سلسله مراتبی مازلو اولین نیاز، نیازهای جسمی از قبیل تغذیه، پوشاک و مسکن، دومین نیاز، نیاز به امنیت و ثبات شغلی، داشتن یک حامی، برخورداری از ضمانت‌های حرفه‌ای و مالی، داشتن حساب پس انداز، سومین سطح از نیازها نیاز به تعلق به گروه دوستان، نیاز به برقراری روابط اجتماعی با دیگران، چهارمین سطح از نیازها نیاز به احترام، تأیید خود و آخرین سطح از نیازها نیاز به خود شکوفایی یا خویش‌نمایی و آگاهی از استعدادهای فردی است که برآورده شدن این سطح از نیازها سلامت و رفاه افراد را موجب می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اعتماد اجتماعی در بین اعضای خانواده و رفاه اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.
- ۳- بین انسجام اجتماعی در بین اعضای خانواده و رفاه اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.
- ۴- بین میزان مشارکت اجتماعی در بین اعضای خانواده و رفاه اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.
- ۵- بین دامنه روابط اجتماعی در بین اعضای خانواده و رفاه اجتماعی خانواده، رابطه وجود دارد.

۶- بین میزان دین‌داری افراد و رفاه اجتماعی خانواده رابطه وجود دارد.

جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

در این پژوهش، جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال شهر میانه می‌باشد که طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ تعداد آن‌ها نفر ۱۹۱۲۹۱ می‌باشد از این تعداد ۹۷۲۱۷ مرد و ۹۴۰۷۴ زن می‌باشند.

برای برآورد حجم نمونه از فرمول دوران استفاده شده است که به شرح زیر می‌باشد:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$
 در این فرمول

۱/۹۶ = t: ضریب اطمینان ۹۵٪ / ۰/۰۵ = d : دقت احتمالی مطلوب

۰/۴۱۱ = S^۲: پیش برآورد واریانس متغیر وابسته که بر اساس پیش آزمون به دست آمده است.

حجم نمونه‌ای که از طریق فرمول دوران به دست آمد، ۶۳۰ نفر می‌باشد، که از این تعداد ۳۱۰ نفر زن و

۳۲۰ نفر مرد به دست آمد، که به جهت بالا بردن دقت، حجم نمونه به ۶۵۰ نفر افزایش داده شد.

برای انتخاب افراد نمونه از تلفیقی از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است.

شیوه گردآوری داده‌ها

در تحقیق حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نظر از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. با استفاده از روش اسنادی، ابعاد نظری و پیشینه موضوع بررسی گردید و با استفاده از روش پیمایشی، روابط بین متغیرها بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه محقق ساخته، تبیین گردید. پرسشنامه دارای ۵۷ سؤال بود که برای سنجش متغیرهای مختلفی که در بحث نظری به آن‌ها اشاره شد از انواع سؤال‌های مختلف استفاده شد. مثلاً برای سنجش متغیرهای زمینه‌ای از سؤال‌های مستقیم و باز استفاده شده و برای سنجش متغیر وابسته که میزان رفاه اجتماعی خانواده‌های شهر میانه است و متغیر مستقل که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است از مقیاس طیف لیکرت استفاده شده است.

تعیین روایی و پایایی ابزار پژوهش

برای تأمین روایی ابزار پژوهش از دو روش استفاده شده است:

۱- ارجاع پرسشنامه به استادان و کارشناسان صاحب نظر (به ویژه بازمینی استاد راهنما)

۲- انجام تکنیک تحلیل عاملی

به منظور تفکیک و دسته‌بندی سؤال‌های مربوط به مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی از تکنیک تحلیل عاملی بر اساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که طبق جدول (۱) مقدار $KMO=0/75$ به دست آمده و چون این مقدار از $0/5$ بزرگ‌تر است، بنابراین تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است. مقدار کرویت بارتلت نیز برابر $1053/34$ با سطح معنی‌داری $p=0/000$ به دست آمد، بنابراین تفکیک عامل‌ها به درستی انجام شده و سؤال‌های مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای بالایی با همدیگر دارند.

جدول ۱- آزمون کایزمایر و کرویت بارتلت برای گویه‌های متغیر سرمایه اجتماعی

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۷۵۴
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۱۰۵۳/۴
	Df	۱۰
	Sig.	۰/۰۰۰

تحلیل عاملی با ۵ عامل و در مجموع تا حدود $51/99$ درصد از واریانس تبیین شد که معیار مطلوبی می‌باشد زیرا در تحلیل عاملی حداقل لازم است 50 درصد از واریانس تبیین گردد. طبق اطلاعات جدول (۲) و بر اساس بارهای عاملی چرخش داده شده به روش واریماکس ۲۱ سؤال مربوط عوامل به سؤال‌های سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد که در جدول مذکور همراه با ضرایب بار عاملی آن‌ها قید شده‌اند.

جدول ۲- تفکیک عامل‌ها بر اساس ضرایب بار عاملی با چرخش واریماکس

سؤال‌ها	دین‌داری	اعتماد	انجام	مشارکت	روابط اجتماعی
اگر لازم باشد برای دفاع از آرمان‌های اسلامی به جنگ خواهیم رفت.	۰/۷۳۰				
معتقد اعتقادات دینی افراد باید در ظاهر آن‌ها نمود داشته باشد.	۰/۶۲۳				
در حال عبور از خیابان اگر با فرد ساخته دیده‌ای مواجه شوم به او کمک می‌کنم.	۰/۶۲۰				
مذهب پاسختگی تمام مسائل انسان است.	۰/۵۲۱				
خواندن نماز.	۰/۴۸۶				
خواندن دعا.	۰/۴۷۶				

ادامه جدول ۲

				۰/۴۷۷	گفته می شود اسلام به ذات خود ندارد عیبی / هر عیب که هست در مسلمانی ماست. با این گفتار موافقت؟
				۰/۴۵۶	رفتن به مسجد و مجالس دینی.
				۰/۷۴۱	اعتماد داشتن به شورای شهر
				۰/۶۷۱	به آشنایان و همسایگان می توان اعتماد کرد
				۰/۶۶۰	در این دنیا نباید به هیچ کسی اعتماد کرد
				۰/۸۴۶	مشارکت کردن در امور خیریه
				۰/۸۲۹	مقداری از وقت خود را به کارهای داوطلبانه اختصاص دادن
				۰/۷۴۰	انجام عیب دیگران را گفتن کاری پسندیده است
				۰/۶۹۶	همراهی کردن مسؤولین و همسفریان برای حل مشکلات و مسائل
				۰/۵۵۱	آسان باید به فکر خود بیشتر باشد تا دیگران
				۰/۴۵۵	از این گه اهل شهر خود هستید احساس غرور می کنید
				۰/۷۲۱	دامنه در خانواده ما اکثر افراد با هم اختلاف دارند
				۰/۶۹۰	در خانواده ما معمولاً افراد حرف های همدیگر را قبول ندارند
				۰/۶۰۹	ماهی چند بار به دیدار اقوام و خویشاوندان می روید
				۰/۳۴۱	ماهی چند بار به دیدار دوستان خود می روید

پایایی سؤال های پرسشنامه به تفکیک هر یک از عامل ها، با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ به دست آمد.

جدول ۳- پایایی ابزار پژوهش

مؤلفه ها	مقدار پایایی به دست آمده
رفاه خانواده های شهروندان	۰/۷۷۲
اعتماد اجتماعی	۰/۶۴۱
انجام اجتماعی	۰/۷۹۶
مشارکت اجتماعی	۰/۷۰۲
دین داری	۰/۷۹۶
دامنه روابط اجتماعی	۰/۶۴۲

معرفی شیوه های تحلیل آماری

تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار اس پی اس انجام شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به فرآخور سطوح سنجش متغیرها از آماره ها و تکنیک های آماری متفاوت استفاده شده است. در بخش توصیف از آماره های آمار توصیفی (میانگین، میانه، مد، واریانس، انحراف معیار) متناسب با سطح سنجش متغیرها استفاده شده است. در بخش تحلیل داده ها از آزمون های آمار استنباطی استفاده شده است.

نتایج تحلیل استنباطی

همبستگی بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان رفاه اجتماعی در بین شهروندان مورد مطالعه

برای سنجش همبستگی بین متغیر وابسته (رفاه اجتماعی خانواده‌ها) با متغیر مستقل (سرمایه‌ی اجتماعی) و مؤلفه‌های آن از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و نتایج جدول (۴) نشان داد که بین سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی همبستگی مستقیم وجود دارد، همچنین در رابطه با مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی نیز به جز مؤلفه انسجام اجتماعی سایر مؤلفه‌ها با میزان رفاه اجتماعی همبستگی مستقیم داشتند.

جدول ۴- همبستگی بین میزان سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن با میزان رفاه اجتماعی شهروندان مورد مطالعه

متغیرها	رفاه اجتماعی خانواده‌ها
سرمایه اجتماعی	F= ۰/۳۷۶ P= ۰/۰۰۰ n= ۶۳۰
اعتماد اجتماعی	F= ۰/۱۰۴ P= ۰/۰۰۹ n= ۶۳۰
انسجام اجتماعی	F= ۰/۰۶۳ P= ۰/۱۱۵ n= ۶۳۰
مشارکت اجتماعی	F= ۰/۲۲۷ P= ۰/۰۰۰ n= ۶۳۰
دامنه روابط اجتماعی	F= ۰/۳۰۳ P= ۰/۰۰۰ n= ۶۳۰
دین‌داری	F= ۰/۴۷۳ P= ۰/۰۰۰ n= ۶۳۰

مقایسه میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان بر اساس جنسیت آنان

بر اساس اطلاعات جدول (۵) متوسط میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان مرد برابر $۹/۱۴ \pm ۵۰/۷۳$ و در شهروندان زن برابر $۸/۹ \pm ۴۷/۲۳$ به دست آمده است که مقدار t برابر $t = ۲/۹۵$ با سطح معنی‌داری $P = ۰/۰۳۴$ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان زن و مرد متفاوت است و این میزان در شهروندان مرد بیشتر از شهروندان زن می‌باشد.

جدول ۵- مقایسه میانگین میزان سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان بر اساس جنسیت آنان

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۳۴۰	۵۰/۷۳۴	۹/۱۴۸	۲/۹۵	۶۲۸	۰/۰۳۴
۳۱۰	۴۷/۲۴۴	۸/۹۰۳			

تبیین میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها بر اساس متغیرهای مستقل معنی‌دار

به منظور تبیین میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها بر اساس مجموع متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که در نهایت طبق جدول (۶) در مجموع ۳ متغیر مستقل مهم در شکل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب همبستگی چندگانه آن‌ها با میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها برابر $R = 0/45$ با ضریب تبیین برابر $R^2 = 0/204$ و ضریب تبیین خالص برابر $\bar{R}^2 = 0/20$ می‌باشند. مقدار به دست آمده از این ضریب بیانگر آن است که حدود ۲۰ درصد از واریانس رفاه خانواده‌های مورد مطالعه توسط متغیرهای مستقل موجود در شکل رگرسیونی تبیین می‌گردد. همچنین شکل رگرسیونی تبیین شده بر اساس آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی است زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان رفاه اجتماعی خانواده‌ها معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۶- ضریب همبستگی چندگانه برای تبیین میزان رفاه خانواده‌ها

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار برآورد	مقدار F	سطح معنی‌داری
۱	۰/۳۷۰	۰/۱۳۷	۰/۱۳۵	۱۳/۱۲		
۲	۰/۳۳۷	۰/۱۹۱	۰/۱۸۸	۱۲/۶۹۵	۵۰/۰۶۱	۰/۰۰۰
۳	۰/۴۵۲	۰/۲۰۴	۰/۲۰۰	۱۲/۶۰۰		

در مجموع طبق اطلاعات جدول (۷) و با توجه به ضرایب بتا های استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت (α) برابر ۲۰/۶۲، دین‌داری شهروندان با بتا $\beta = 0/232$ ، دامنه روابط اجتماعی با بتا $\beta = 0/242$ و مشارکت اجتماعی با بتا $\beta = 0/088$ بیشترین تأثیر را در تبیین میزان رفاه اجتماعی شهروندان داشت. در نهایت با حذف مقدار ثابت آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود که به ترتیب میزان دین‌داری شهروندان با بتا $\beta = 0/297$ ، دامنه روابط اجتماعی با بتا $\beta = 0/216$ و مشارکت اجتماعی با بتا $\beta = 0/121$ ، بیشترین تأثیر مثبت را در پیش بینی رفاه شهروندان مورد مطالعه دارند.

جدول ۷- ضرایب متغیرهای مستقل باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig.	t	ضرایب مستقل در شکل		ترتیب ورود متغیرهای مستقل در شکل
		Beta	Sig. Error	
۰/۰۰۰	۴۸/۷۲	۱/۳۲۵	۳۸/۰۴۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۹/۶۴	۰/۳۷	۰/۲۸۹	دین‌داری
۰/۰۰۰	۷/۸۴۲	۲/۸۳۳	۲۲/۲۱۷	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۴۸	۰/۴۲۲	۰/۲۵۲	دین‌داری
۰/۰۰۰	۶/۲۶	۰/۲۳۸	۰/۲۶۶	دامنه روابط اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۲۱	۲/۸۵۷	۲۰/۶۲۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۷/۰۵	۰/۲۹۷	۰/۲۳۲	دین‌داری
۰/۰۰۰	۵/۶۳۵	۰/۲۱۶	۰/۲۴۲	دامنه روابط اجتماعی
۰/۰۰۲	۳/۱۲۲	۰/۱۲۱	۰/۰۸۸	مشارکت اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه‌ی اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده‌ی سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه‌ی محلی در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. به نظر پاتنام منابع سرمایه‌ی اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت‌کننده و خودافزاینده هستند دور باز تولیدکننده‌ی فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیر مدنی نیز خصلتی خود تقویت‌کننده دارد. عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان‌آور دورهای باطل تشدید می‌کنند. پاتنام در بحث تقدم و تأخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه‌ی اجتماعی را می‌سازند معتقد است «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت‌آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص می‌باشد اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می‌شوند (فیروزآبادی، جاجرمی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). چگونگی رابطه بین رفاه و سرمایه‌ی اجتماعی در فرآیند توسعه مورد توجه عمیق نظریه‌پردازان اجتماعی بوده است (ریانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). موریس در ۱۹۹۸ با توجه به داده‌های رسمی منتشر شده توسط دولت هند نشان می‌دهد که آن دسته از ایالت‌های هند که از سرمایه‌ی اجتماعی خوبی برخوردارند در کاهش فقر موفق‌تر بوده‌اند (به نقل از کریشنا، ۲۰۰۲). مرنسی با انجام مطالعه‌ای موردی بر روی روستای ایتایکتل در مراکش و نیز بررسی برخی دیگر از روستاهای منطقه نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌ی اجتماعی موجود میان روستائینان باعث همکاری و تلاش مشترک آنان جهت راه‌اندازی شبکه‌های برق و آبرسانی و در کل بالا رفتن سطح رفاه اجتماعی در این روستاها شده است (مرنسی، ۱۳۸۴). نتایج تحقیق حاضر نشانگر وجود رابطه معنی‌دار بین سرمایه‌ی اجتماعی و میزان رفاه خانواده‌ها می‌باشد که این همبستگی به صورت مثبت است. یافته‌های اخیر بیانگر آن است که اگر سرمایه‌ی اجتماعی افزایش یابد سطح رفاه خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد، که نتایج تحقیق حاضر

همسو با تحقیقات کریشنا (۲۰۰۲)، مرنیسی (۱۳۸۴)، اینگلهارت (۱۹۹۷) و ربانی و همکاران (۱۳۸۷)، ملکی و حیدری (۱۳۸۷)، رحمانی و همکاران (۱۳۸۵)، فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی (۱۳۸۵) می‌باشد. ناک و کیفر بر اساس داده‌های نظرسنجی‌های ارزش‌های جهانی نشان می‌دهند که میان اعتماد که یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده سرمایه‌ی اجتماعی است با میزان رشد اقتصادی و رفاه رابطه مثبتی وجود دارد (ناک و کیفر ۱۹۹۷). همان‌طور که از نتایج تحقیق برمی‌آید بین اعتماد اجتماعی و رفاه خانواده‌ها همبستگی مثبت وجود دارد یعنی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه میزان رفاه خانواده‌ها نیز افزایش می‌یابد. این یافته می‌تواند مؤید چهارچوب نظری تحقیق مبنی بر اهمیت توجه به عنصر اعتماد برای رفاه و توسعه افراد جامعه باشد. به عبارت دیگر توانایی اعتماد و همکاری با دیگران، دستیابی به سودمندی‌های ناشی از فرصت‌های شغلی، دسترسی به افراد مهم در سازمان‌ها و سطح زندگی بالا را تسهیل می‌کند. در مقابل میزان پایین اعتماد به افراد و نهادها می‌تواند موجب انزوای اجتماعی و غلبه‌ی چرخه‌ی فقر و توسعه‌نیافتگی و عدم رفاه افراد جامعه را شود، که نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های ناک و کیفر (۱۹۹۷) و کریشنا (۲۰۰۲) هم خوانی دارد.

میزان مشارکت نیز به عنوان یکی از عناصر مهم سرمایه‌ی اجتماعی رابطه معناداری با رفاه خانواده‌ها داشت. به عبارت دیگر افرادی که مشارکت بالایی در نهادهای رسمی، سازمان‌های غیردولتی و اتحادیه‌ها داشته‌اند از میزان رفاه مطلوبی نیز برخوردار می‌باشند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که این افراد می‌توانند با بهره‌گیری از سرمایه‌ی اجتماعی به پی‌گیری خواسته و منافع خود با تشکیل گروه‌های داوطلبانه جمعی اقدام کنند، راهبردی که امکان موفقیت آن در مقایسه با اقدامات فردی و پراکنده بسیار بیشتر است، هنجارها و شبکه‌های مشارکت، به رفاه اقتصادی اجتماعی کمک می‌نماید و به نوبه‌ی خود نیز توسط این رفاه تقویت می‌شوند (پاتنام، ۲۰۰۰)، که نتایج تحقیق حاضر نیز همسو با تحقیقات قبلی می‌باشد.

عنصر دین نیز یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی است که همواره از نقش تعیین کننده‌ای در حرکت‌ها، تحولات و صحنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده است، این عنصر عظیم اجتماعی کارکردهای ارزشمندی در تحرک و شادابی اجتماعی در عرصه‌های مختلف داشته و عامل

مهمی در سلامت جامعه و رفاه آن محسوب می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۹)، که نتایج تحقیق نیز حاکی از رابطه مثبت بین دین‌داری و رفاه اجتماعی شهروندان می‌باشد.

بین دامنه روابط اجتماعی و میزان رفاه خانواده‌ها همبستگی مثبت معنی‌دار ولی ضعیف وجود دارد بدین معنی که با افزایش میزان دامنه روابط اجتماعی در بین شهروندان میزان سطح برخورداری از رفاه اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. که در این مورد پیشینه‌ای یافت نشده است.

بین انسجام اجتماعی و میزان رفاه خانواده‌ها همبستگی معنی‌دار وجود نداشت. بدین معنی که در این تحقیق افزایش یا کاهش انسجام اجتماعی شهروندان تأثیری در میزان رفاه اجتماعی آنان نداشت.

پیشنهادها

- سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن بر رفاه اجتماعی خانواده‌ها تأثیر بسزایی دارد، بنابراین مسؤولین نهادهای دولتی در خصوص افزایش سرمایه‌ی اجتماعی شهروندان و درگیر ساختن آنان در فعالیتهای شهری باید بیش از پیش تلاش به عمل آورند.
- دولت با تأسیس نهادهای مدنی و NGOها زمینه تعامل و ارتباط بیشتری را در سطح جامعه در بین افراد ایجاد نماید و با مشارکت دادن افراد جامعه در توسعه امور محله شاهد آسایش بیشتر مردم در جامعه باشیم.
- با گسترش فرهنگ اعتماد در بین آحاد جامعه و کمک به همدیگر سطح رفاه خانواده‌ها را بالا برد.

منابع

منابع فارسی

- برامکی‌زیدی، ح. (۱۳۸۷)، عوامل مؤثر بر توسعه، مطالعه موردی: سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبردی یاس، شماره ۱۶، صص ۱۸۵-۱۶۱.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی دموکراسی و توسعه، ت: خاکباز و ا. پویان، تهران، نشر شیرازه.
- حقی‌جون، ن. (۱۳۸۱)، رفاه اجتماعی و توسعه (موروی بر کارکرد برخی نهاد های حمایتی در ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم)
- ریانی، ر و همکاران. (۱۳۸۷)، بررسی رابطه رفاه اجتماعی با سرمایه اجتماعی در فرآیند توسعه (مطالعه موردی شهرستان‌های استان اصفهان)، جلد ۲۹، شماره ۱، صص ۴۶-۲۳.
- رحمانی، ت، عباسی‌نژاد، ح و امیری، م. (۱۳۸۵)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران، مطالعه موردی استان‌های کشور، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ششم، شماره دوم.
- زاهدی، م. (۱۳۸۲)، توسعه و نابرابری، تهران، انتشارات مازیار.
- علوی‌تبار، م. (۱۳۷۹)، جامعه مدنی و ایران امروز، انتشارات نقش و نگار، تهران.
- غفاری، غ. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، چاپ اول.

- فوکویاما، ف. (۱۹۹۹)، *پایان نظم (پایان سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، ت.غ. ع. توسلی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- فیتزبتریک، ت. (۱۳۸۳)، *نظریه‌ی رفاه*، ت.د. همایون پور، تهران، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فیروزآبادی، س و ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۵)، *سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در کلان شهر تبریز*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- فیلد، ج. (۲۰۰۳)، *سرمایه اجتماعی*، ت.غ. ر. غفاری و حسین رضائی، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر.
- گروتاوت، ک. (۱۳۸۶)، *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفاه خانواده‌ها و فقر در اندونزی*، فصلنامه فرهنگی- اجتماعی زیربار، ت.ل. هامانی، سال یازدهم، شماره ۶۵-۶۶.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۷)، *جامعه شناسی*، ت.م. صوری، تهران، نشر نی.
- مونیسی، ف. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی در عمل: مورد انجمن روستای ایتا یکتا (نقدی بر همبستگی سنتی در کشور مراکش)*، چاپ شده در *تاجبخش*، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ت.ا. خاکباز و ح. پویان، تهران، شیرازه.
- ملکی، او حیدری، ا. (۱۳۸۷)، *فقر و سرمایه اجتماعی*، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۸.
- میجلی، ج. (۱۳۸۸)، *رفاه اجتماعی در جهان: ت.م.ت. جغرافی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی*.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۷)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ت.ا. خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.

منابع لاتین

- Inglehart, Ronald (۱۹۹۷), *Modernization and post modernization: Culture, Economic and Political change in ۴۱ societies*, Princeton: Princeton university pres.
- Kawachi, I., Kim, D., Coutte, A., & Subramanian S. V. (۲۰۰۴). *Commentary: Reconciling the three accounts of social capital*. *Intrnational Journal of Rpidemiology*, ۴-۳۳.
- Krishna, A & Upoff, N. (۲۰۰۲), *Mapping and Measuring Social Capital through Assesment of Collective Action to Conserve and Develop Watersheds in Rajasthan, India*.
- In Grootaert, C & Bastelaer, T. (۲۰۰۲). *The Role of Social Capital in Development*, Cambridge Univ. Press.
- Nack, S., and Keefer, P. (۱۹۹۷), "Dose Social capital have an economic Pay-off? A cross country investment", *Quarterly journal of Economic*, Vol: ۱۱۲, No: ۴, PP: ۱۲۵۱-۱۲۸۸.
- Offe, Claus and Fuchs, Susanne, *a Decline of Social Capital* (۲۰۰۲). *The German Case*, Published in Putnam, Robert, *democracy in Flux: The evolution of social Capital in Contemporary Society*, New York: Oxford University Press.
- Putnam, R. D. (۲۰۰۰) *Bowling Alone: the collapse and revival of American community*, Simon and Schuster, NewYork.
- Woolcick, M. and Narayan, D. (۲۰۰۰) *social capital: implications for development theory, research and polity*. World Bank research.